

رویش هسته‌های مقاومت از غزه تا یمن ثمره تلاش‌های حاج قاسم است



ناتبد جنب‌جبهه اسلامی در تهران

همگان برخوردار بود و محبتش بر دل‌های همه می‌نشست. حاج قاسم اسم بزرگی بود اما وقتی کنارش بودی احساس راحتی و شیفتگی به شخصیت بزرگ او می‌کردی. حس می‌کردی او را دوست داری و برادر توست و به تو احترام می‌گذارد.

ما خطرات زیادی از او داریم اما می‌خواهم کمی درباره روش او سخن بگویم. حاج قاسم هر چند مردی متواضع، اهل بگو بخند و مزاح بود اما در عین حال فردی جدی بود. زندگی‌اش کاملاً جدی بود و به وضعیت امت اسلامی به دیده جدیت می‌نگریست و فقط به جنبه‌های احساسی و تأسف خوردن بر اوضاع فعلی مسلمانان بسنده نمی‌کرد، بلکه همیشه به‌دنبال دفاع از امت اسلامی و نجات و پیدار کردن و هدایت صحیح مسلمانان بود. حاج قاسم همیشه به‌دنبال این بود که مسلمانان را متوجه قبیله اولشان در قدس و مقدسات اشغال شده‌شان در فلسطین کند. او در تمام زمینه‌ها و در همه جبهه‌ها از تحرک بالایی برخوردار بود و می‌کوشید دیگران را در سمت و سوی و در مسیر قرار دهد که موجب خوشنودی خدا و خشم دشمنان خدا نشود. تلاش پیگیر او این بود که مردم را در مسیر درست به سمت مقابله با نقشه‌های غربی و طرح‌های صهیونیستی و اتحاد مسلمانان رهنمون شود. فلسطین برای حاج قاسم صرفاً یک موضوع سیاسی یا ژئوپلیتیک یا منطقه‌ای نبود. فلسطین برای او یک امتحان الهی بود، امتحان عصر حاضر بود و من در آخرین دیداری که با حاج قاسم داشتم آخرین چیزی که از او شنیدم این بود که هر کس در قبال فلسطین موضعی صحیح داشته باشد نجات می‌یابد و کسی که موضع نادرست در برابر فلسطین بگیرد اهل نجات نخواهد بود. او معتقد بود فلسطین امتحان دوران فعلی است و خداوند اولین سؤالی که از مردمان عصر حاضر خواهد پرسید این است که برای قدس و فلسطین چه کردید؟ از این رو حاج قاسم می‌کوشید مردم را برای مقابله با نقشه‌های غربی‌ها- که ایجاد کننده رژیم صهیونیستی در منطقه بودند- و ضدیت با طرح‌های افسادگرایانه صهیونیست‌ها رهنمون شود. هرچند دشمنان سعی داشتند تلاش‌های حاج قاسم و این روند مبارک او را با شکست مواجه سازند اما تلاش‌های می‌ثمر می‌داد، به طوری که الان مشاهده می‌کنیم منطقه صحنه رویش هسته‌های مقاومت در نوار غزه، جنوب لبنان، در سوریه، عراق و یمن است و مسلمانان وضعیت جدیدی در جهت مقابله با طرح‌های غربی پیدا کرده‌اند و آرمان فلسطین مسئله اصلی امت اسلامی شده است. آنچه به‌طور مختصر می‌توانم بگویم اینکه حاج قاسم در شجاعت بزرگش، در شهامت و بی‌باکی‌اش، در اخلاصش، در اطلاعات گسترده‌اش، در توانایی‌اش، در تحلیل شرایط، در پامیردیش‌اش و صبر و شکیبایی فوق‌العاده‌اش، چنان بود که از او حاج قاسم سلیمانی ساخته بود؛ شهیدی که واژه‌ها و مجله‌ها در چند دقیقه نمی‌توانند در توصیف او داد سخن دهند و باید تلاش فراوانی کرد تا شخصیت چنین بزرگ مردی را آن‌طور که شایسته‌اش است معرفی و شناسایی کرد.

حاج قاسم سلیمانی از ایده تا طرح مقاومت



ناتبد جنب‌جبهه امن در تهران

است درباره آنها سخن بگویم مسئله داشتن فکر و ایده است. آن شهید با وجود جایگاه و اهمیتی که در طرح مقاومت داشت اما مهم‌تر از آن، فکر و اندیشه آن شهید بود که به خاطر آن هم شهید شد.

مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه شهید حاج قاسم سلیمانی که باید آن را به خوبی شناخت و اجرا کرد عبارت‌اند از:

۱- **تشخیص دشمن و شناخت دقیق او**: اگر بپذیریم که دشمن مشترک امت اسلامی، رژیم صهیونیستی است. ضرورت می‌یابد که تمام تلاش‌ها برای مقابله با این دشمن بسیج شود. شاید امروز برای همه ثابت شده باشد که دشمن صهیونیستی تهدیدی برای امنیت جمعی مسلمانان است و این تهدید فقط فلسطین را در بر نمی‌گیرد. نشانه‌های روشنی از رویکرد این رژیم به جنگ نرم ضد کشورهای جبهه مقاومت و در رأس آنها ایران به چشم می‌خورد. نشانه بارز این رویکرد جنایت آنان در ترور دانشمند مجاهد دکتر محسن فخری‌زاده است. نباید این واقعیت را انکار کنیم که دشمن صهیونیستی در حال به دست آوردن پیروزی‌هایی حداقل در بعد نظم و تئوریک است و در این راه توانسته تعدادی از نخبگان مؤمن و شخصیت‌های استراتژیک مانند شهید سلیمانی و فخری‌زاده را از ما بگیرد و ما نمی‌دانیم که آیا آنان بانک اهداف فوری دارند و می‌خواهند سریع به این اهداف برسند؟

۲- **پس از تشخیص دشمن برنامه عملی مقابله با آن باید طراحی شود**. نمی‌گوییم فقط برای انجام از خون شهید بلکه برای تکمیل روند اندیشه‌های شهدا که به دنبال آن بودند، و آن اینکه چگونه می‌توان تهدید رژیم صهیونیستی را از بین برد، و در برابر آن بازدارندگی ایجاد کرد و به چه شیوه‌ای می‌توان این رژیم را ریشه‌کن ساخت و زمینه آزادی اراضی فلسطین و ایجاد امنیت و ثبات و تقویت و سرزندگی امت مسلمان را فراهم کرد. وقتی از طرح و برنامه سخن می‌گوییم باید شاخص‌هایی برای آن تعریف کرد و برای تحقق و پیاده‌سازی این شاخص‌ها باید تلاش و جدیت فراوان به خرج داد تا به مرحله اجرا برسد. اگر گزینه رویارویی و مقاومت یک گزینه راهبردی تلقی شود، باید تلاش کرد ابتکار عمل را از دشمن گرفت و در برابر او دیوار بازدارندگی ایجاد کرد. با مروری بر رویدادهای ۱۵ ساله گذشته، نشانه‌هایی از امید و برخی نقاط ضعف در طرح را مشاهده می‌کنیم. در جنگ‌هایی که مقاومت با وحدت و اجماع ضد رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷ انجام داد، این رژیم ناچار شد در محاصره داخل مرزهای جغرافیایی خود باقی بماند و اثرات جنایتاش محدود گردد و اهدافش با شکست مواجه شود اما از طرف دیگر رویدادهای ده‌ساله گذشته در منطقه، مانع شکل‌گیری یک دیدگاه مشترک منطقه‌ای میان کشورهای جبهه مقاومت شد و این چالش باالغعل است که تلاش‌های زیادی برای انجام آن شده اما راه همچنان طولانی است. امروز برای احیای اندیشه‌های شهید سلیمانی آنچه انتظار می‌رود این است که مشترکات میان خود را افزایش دهیم و به دنبال دیدگاهی باشیم که بتواند به مقابله با جنایت دشمن صهیونیستی بپردازد. وظیفه ما این است که در زمان مناسب، تصمیم مناسب بگیریم، زیرا چالش‌ها بسیار و راه طولانی است.

خداوند شهیدهایمان را رحمت کند و ما را به ادامه دادن روش پاک آنان موفق بدارد.

اشاره: پس از ۶۳ سال زندگی در میانمان؛ کمی بیش از یک سال پیش بود که حاج قاسم جایی در بلندای تاریخ ایستاد و مثل همیشه روزگار، زمان ما را با خود برد و به اینجا رساند. جایی که باید ردّ حاج قاسم سلیمانی را از میان خطوط خاطره‌ها بگیریم

پس از سقوط صدام نیروهای آمریکایی ریخته بودند توی نجف، زمزمه‌هایی شنیده بودیم که می‌خواهند بیابند به سمت حرم که معلوم نبود چه بر سر مرقد امیرالمومنین علیه السلام می‌آورند. خیلی از مجاهدان عراقی که از موقعیت لشکر ثارالله به بهمنشیر بروم، بعد از ایران بودند، برای دفاع آمده بودند، مردم عادی هم بودند، اما نیاز به یک فرمانده احساس می‌شد. همان روزها سر و کله حاجی پیدا شد، با دشداشه عربی آمده بود مرقم نزدیک حرم امام علی علیه‌السلام، باورم نمی‌شد. گفت: «اومدم آمریکایی‌ها را از نجف بندازم بیرون» خیلی از فرماندهان عراقی را شناسایی کرد و راه گذاشت جلوی پای‌اشان. با مدبریتش گروه‌های مقاومت عراقی را هم آورد پای کار. همه دستس به دست هم دادند، شرّ نیروهای آمریکایی برای همیشه از سر نجف کم شد.

راوی: حجت‌السلام والمسلمین سید حمید حسینی

روضه حضرت زهرا(س)

در عصر یکی از روزهای سال ۱۳۶۴، حاج قاسم سلیمانی برای عملیاتی در کنار رود بهمنشیر، در منطقه آبادان بود. با من تماس گرفت که از موقعیت لشکر ثارالله به بهمنشیر بروم. بعد از نماز مغرب و عشاء حرکت کردم و پس از ۲ ساعت به محل استقرار ایشان رسیدم. سردار با ۴ نفر در سنگر بودند، به من گفت: می‌دانی امشب چه شبی است؟ گفتم: شب شهادت حضرت زهرا(س)، گفت می‌خواهم برای ما روضه حضرت زهرا(س) بخوانی!

راوی: مهدی صدفی، متولی بیت‌الزهرائ(س) حاج قاسم در کرمان

کتاب‌خوان حرفه‌ای

جنگ که تمام شد خاکریز جنگ را که ترک نکرد هیچ، فرمانده یک خاکریز دیگر هم شد. از سال ۱۳۶۸ مرکز حفظ آثار دفاع مقدس کرمان

حامی جوان‌ها

دست تنگ بودند و درآمد درست و حسابی نداشتند. آن وقت‌ها هم که مثل الان فرهنگ خرما خواری نبود تا از فروش محصول بتوانند زندگی راحتی داشته باشند. وسوسه‌های اشرار خامشان می‌کرد و در قبال پول می‌شدند کارچاق کنی آنها. حاجی بیکار نماند. نشست و فکر کرد که چطوری می‌شود جلوی در دام افتادن عشایر را بگیرد. خیلی از این جوان‌ها سرباز فراری بودند. چون کارت پایان خدمت نداشتند و دستشان جایی بند نمی‌شد از بیکاری می‌رفتند سمت اشرار. قرار شد فراری‌ها بیایند و لباس سربازی بپوشند اما توی منطقه خودشان خدمت کنند تازه، حقوق هم بگیرند. خب عده زیادی از اینها زن و بچه داشتند. این شرایط به نفع‌شان بود. کنار زندگی‌شان خدمت می‌کردند، درآمد داشتند و بعد هم که کارت می‌گرفتند می‌توانستند گواهی‌نامه ارندگی بگیرند، بروند و جایی استخدام شوند و با پروانه کسب بگیرند و یک کار حلال و آبرودار دست و پا کنند. خیلی از همین سربازهای عشایر که سواد بیشتری داشتند با پیگیری‌های حاجی جذب نیروی انتظامی شدند.

راوی: سید مهدی میر تاج‌الدینی؛ هم‌رمز شهید

مثل همه مردم

از فرودگاه امام خودم را رساندم فرودگاه مهرآباد. تازه از سوریه آمده بودم. باید می‌رفتم کرمان برای سخنرانی آدمک کارت پرتر بگویم حاج قاسم را دیدم پرسید: «ما داری میسر شهر ما؟»

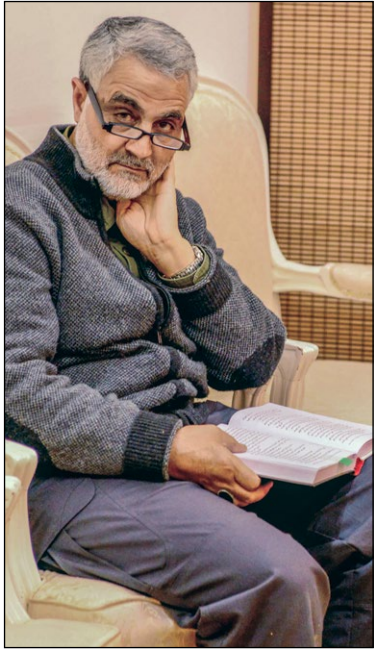


گفتم: آره حاجی، امشب روستای زنگی‌آباد برای شهید حاج یونس زنگی‌آبادی برنامه گرفت. دعوت کردن برای روایتگری. وقتی رسیدیم کرمان، خیلی عادی سر خیابان ایستاد فکاسی گرفت و رفت. من رفتم زنگی‌آباد. مراسم که شروع شد حاجی هم آمد. دم در ورودی شرط گذاشته بود و گفته بود: «سم نمونمارید به حاج حسین هم بگید چیزی نگه که حاج قاسم اینجاست. من هم دعوت نمی‌کنید توی جلسه صحبت کنم، اومدم جلسه شهید». حاجی مثل همه مردم آمد نشست توی جلسه شهید و بعد هم رفت بی‌سر و صدا و هیاهو.

راوی: حاج حسین یکتا
دهنه لا، نقطه استراتژیک منطقه بود؛ مرز ایران و افغانستان و پاکستان. مسیر از نظر استراتژیکی عالی و راه دسترسی به آن سخت



و آه و حسرت نبودنش را در گوش ثانیه‌ها فریاد زнім. آنچه می‌خوانید خرده خاطراتی است از زبان دوستان، هم‌زمان و حتی دشمنان حاج قاسم که برخی از آنها پیش‌تر منتشر شده و بعضی برای اولین بار منتشر می‌شود.



حاج قاسم سلیمانی به روایت خاطرات

آدمدم آمریکایی‌ها را بعدازرم بیرون

بیشتر از ۵۰ شش‌رور به سرکردگی حمید نوتانی کمین کرده بودند سر مسیر سربازان که آموزش‌دیده بودند و داشتند برای تقسیم به زاهدان می‌رفتند. هیچ‌وقت سابقه نداشت اشرار با چنین سازمان و دم و دستگاہی کمین کنند. معلوم بود قضیه از جای دیگر آب می‌خورد. آمریکا و اسرائیل و عربستان طراحی عملیات کرده بودند. ساعت دو بعدازظهر جلوی دو اتوبوس را مقدس تمام سربازان و درجه داران همراهشان با گروگان گرفتند. می‌خواستند با این‌ها مصاحبه کنند و بعد بیزند و بکشند، طوری که ضعف ایران جلوی چشم همه کشورهای منطقه بیاید و بگویند در روز روشن نظامی‌های ایران را بردند و کسی نتوانست کاری کند. خبر رسید به گوش حاج قاسم از کرمان راه افتاد. نصف شب رسید پیش‌مان. با یک بالگرد و یک تیم آتش رفتم باآی سسر اشرار. به خودمان که آدمیم ۲۵ کیلومتر در خاک افغانستان بودیم. منطقه را شناسایی کرد و دستور داد ماشین‌هایی که به کمک اشرار آمده بودند را منهدم کنند. آتشی که هوانپوز ریخت دامن‌شان را گرفت؛ خیلی‌هایشان از بین رفتند و تعداد کمی هم از آن‌ها فرار کردند. مرتز تحت کنترل سپاه درآمد.

زمان جنگ جاسی خیلی خله نبود. زمان قرارگاه قدس هم همین‌طور. در نیروی قدس که همیشه در سفر بود، یاد هست که یکی از پسرهای حاج قاسم بیمار شد و حاجی در مأموریت قرارگاه قدس بود، نتوانست بالای سر پسرش باشد و پسرش هم در اثر بیماری در بیمارستان فوت شد. حتی حاجی بالای سر پدر و مادرش هم در زمانی که در بستر بودند، نتوانست برسد و بعد از فوت آنها رسید.

راوی: نصرالله جهانشاهی؛ کتاب: در مکتب حاج قاسم، صفحه ۱۵۵

مرد میدان

آقای رکن‌آبادی که در حادثه منا به شهادت رسید خاطره‌ای برایم تعریف کرد گفت: یکی از کارهایی که حاج قاسم انجام می‌داد ایجاد حرکت در فرماندهان عالی‌رتبه ایران بود که با شیوه‌های مختلف اینها را به حرکت وامی‌داشت. روزی جلسای گذاشتند و تعدادی از امرای ارتش سوریه را جمع کرد و گفت: «چرا به حصص، حلب، حماه نمی‌روید؟» گفتند: چون دشمن در آن‌ها زیاد و خطرناک است. حاج قاسم با لباس مدبل به منطقه رفت و برگشت و دوباره افراد را جمع کرد و گفت: تعدادشان زیاد نیست و می‌توان با آنها مقابله کرد و شیوه‌های کار را اعلام کرد. یکی از سربازهای سوریه در جواب حاج قاسم گفت: دکه‌ما لباس شما به درجه سرلشکری من شرف دارد. شما از آن سوی دنیا آمدید و جان‌فشانی می‌کنید ولی ما در سرزمین خود نمی‌توایم.

راوی: حجت‌الاسلام سعیدی؛ کتاب: در مکتب حاج قاسم، صفحه ۱۹۰

داعش چگونه در برابر سردار زانو زد؟

محمدرضا کلهر

آزادسازی ابوکمال سوریه، آخرین شهر تحت‌اشغال داعش در سوریه و عراق محقق شد و پایان کالمی بر ۶ سال جنایت داعش در منطقه بود؛ عملیاتی که سردار سلیمانی شخصاً فرماندهی میدانی آن را بر عهده گرفته بود. نبرد ابوکمال اهمیت تاریخی در پیروزی علیه داعش داشت. به همین سبب در ۳۰ آبان ۱۳۹۶، سردار سلیمانی که در «سرباز صفر ولایت» توصیف می‌کرد خود را نماینده پرچم سوریه، پایان داعش را رسماً اعلام کرد. در پیام سلیمانی آمده بود: «با اتمام عملیات آزادسازی ابوکمال، آخرین قلعه داعش با پایین کشیدن پرچم این گروه آمریکایی- صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایانی سیره این شجره خبیثه ملعونه را اعلام می‌کنم و بنمایندگی از کلیه فرماندهان و مجاهدین گمنام این صحنه و هزاران شهید و جانباز، مدافع حرم ایرانی، عراقی، سوری، لبنانی، افغانستانی و پاکستانی که برای دفاع از جان

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۹

۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۶۵۶

پیروزی نهایی محور مقاومت بزرگ‌ترین هدیه به روح شهید سلیمانی خواهد بود

جمهوری عربی سوریه به رهبری آقای «بشاراسد» شیوه مقاومت و دفاع از حقوق، کرامت و حاکمیت خود را در پیش گرفته و با هرگونه مداخله بیگانه در امور داخلی خود و سایر کشورها مخالف است. سوریه همچنین بی‌همپیمان و دوستان خود و در رأس آنها، محور مقاومت همکاری می‌کند تا بر جنگ تروریستی ده ساله فاتح آید؛ جنگی که هزاران نفر از تروریست از ۱۰۰ کشور جهان برای آن بسیج شدند و دشمنان ما از هیچگونه کمک مالی، آموزشی، تسلیحاتی و حمایت سیاسی و پشتیبانی رسانهای بی‌تظنیر و حملات بی‌سابقه برای مخدوش کردن اعتبار و چهره حکومت ملی سوریه و تمام رهبران و نهادهای آن دریغ نکردند. سوریه با مقاومت و پایداری رهبریش و فداکاری ارتش و مردم و با بهره‌گیری از حمایت هم‌پیمانان و دوستانش و در رأس آنها جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت توانست سخت‌ترین مرحله را پشت‌سر بگذارد، و حاکمیت مجدد خود را بر بیشتر مناطق سوریه برقرار کند و همچنان با همکاری هم‌پیمانان خود تا تحقق پیروزی نهایی و آزادسازی تمام سرزمین‌های اشغال شده به مبارزه و راه خود ادامه خواهد داد. توطئه‌ای که به راه افتاد این بود که سوریه به عنوان حلقه وصل و نوک پیکان محور مقاومت و در مقابله با رژیم صهیونیستی و طرح‌های سلطه‌جویانه واشنگتن بر منطقه و به منظور تغییر موازنه قدرت در آن نابود شود.

سوریه همواره و از زمان ریاست رهبر و مؤسس خود، حافظ اسد بر محکومیت تروریسم در تمام اشکال آن به ویژه اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی و حامیان آن تاکید کرده و بارها تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای تفکیک میان مفهوم تروریسم و مبارزه برای دفاع از کرامت و حاکمیت خود را خواستار شده است. آقای بشاراسد همواره پیگیر این راهکار بوده و شیوه مقاومت را برای دفاع از وطن و مقابله با اشکال مختلف تروریسم برگزیده است؛ تروریسمی که واشنگتن از آن برای پیاده کردن اهداف خود و هم‌پیمانانش در منطقه و جهان بهره می‌گیرد. سوریه در گذشته و در آینده نقطه اتکاء مقاومت بوده و خواهد بود، از این روست که هدف دشمنان قرار گرفته چون آنچه مدنظر دشمنان است ضربه زدن به محور مقاومت و تخریب روابط ایران و سوریه است تا راه برای اجرای معامله قرن و حل و فصل مسئله فلسطین باز شود.

سوریه با حمایت هم‌پیمانان خود، پایداری کرد و مقاومت به خرج داد و پیروز شد و همان‌ها که می‌خواستند سوریه سقوط کنند، خودشان سقوط کردند. هدف آنان از جنگی که به راه انداخته بودند این بود که راه و روش را که آقای بشاراسد برگزیده بود از بین ببرند اما این شیوه پیروز شد و هرگز از بین نرفت و نخواهد رفت، زیرا تحقق منافع و اراده مردم سوریه را با بی‌داری و چارچوب آن راتلاف فرمود. شهید سلیمانی مستحکم با محور مقاومت و مبای اساسی قوانین بین‌الملل و در رأس آن حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت و دفاع از کرامت و حاکمیت خود تشکیل می‌دهد.

نقش شهید قاسم سلیمانی

در این میان حمایت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت از سوریه و نقش شهید قاسم سلیمانی در کسب بسیاری از پیروزی‌ها و دستاوردها و شکست توطئه بزرگ برای نابودی سوریه و تجزیه آن و آواره کردن مردم این کشور بسیار ویژه و خاص بود. هدف این توطئه، خوش‌خدمتی به رژیم صهیونیستی و اجرای طرح‌های سلطه‌طلبانه آمریکا در منطقه و تحمیل یأس و فروپاشی بر سوریه و محور مقاومت بود. اکنون نشانه‌های پیروزی نهایی آشکار شده و پیروزی نهایی محور مقاومت بزرگ‌ترین هدیه به روح شهید سلیمانی خواهد بود. او نماینده ارزش‌های مردم ایران بود؛ ارزش‌هایی که مبتنی بر عزت و کرامت و اقتدار و پایدندی و اصول عادلانه و حمایت از حق مظلومین و مقابله با استکبار و سلطه‌گری بود. این شهید همچنین نقش برجسته‌ای در تبدیل مقاومت به فرمانده و سبک زندگی بسیاری از مردم منطقه و جهان ایفا کرد. شهید سلیمانی زندگی خود را وقف خدمت به کشور و میهن خود و دفاع از محور مقاومت و احقاق حق ملت‌ها و مبارزه با تروریسم و حامیان آن کرد. یاد و نام شهید سلیمانی در دل و جان مردم سوریه جودانده خواهد ماند. مردم سوریه هیچ‌گاه همراهی شهید سلیمانی با ارتش عربی سوریه در دفاع از سوریه بر ضد تروریسم و حامیانش را فراموش نخواهند کرد. نقش و آثار حضور و فعالیت‌های آن شهید در بسیاری از پیروزی‌های به دست آمده در مبارزه با سازمان‌های تروریستی و توطئه‌های انجام شده بر ضد سوریه و حتی فلسطین و عراق و غیر آن کاملاً مشهود است.

محور مقاومت در مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه و در رویارویی با همه نیروهای سستمرگ و تجاوزکار در جهان را تقویت خواهد کرد و منجر به تحکیم روابط سوریه و ایران خواهد شد. بدون تردید راه و روش شهید سلیمانی هرچه بیشتر در ذهن و جان قلوب مقاومت تقویت خواهد شد و بر اساس آن قدرت و آسیب‌ناپذیری مقاومت در سراسر جهان رو به فزونی خواهد گذاشت. او سمبل تمام انسان‌های شرافتمند و آزادگان جهان شده و همچون چراغی روشنی‌بخش راه را مقاومت‌کنندگان شریف در هر نقطه از جهان گردیده است.

شهید سلیمانی به ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران ایمان داشت و همچون جمهوری عربی سوریه باور داشت که تروریسم و اشغالگری و ستمگری هیچ مرز و دین و مهنی را نمی‌شناسد و حد و مرزی برای خود قائل نیست و هدفش بدون استثنا ضربه زدن به همه انسان‌هاست و به دنبال تصفیه و تجزیه کشورهای منطقه تحت اسلامی و عناوین نژادی و طایفه‌ای و تبعیض از تاریخ ملت‌های آن است. نابودی چنین خطری نابودن تلاش جمعی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی براساس همکاری سازنده و احترام به حاکمیت کشورها و منافع ملت‌هاست. شهیدسلیمانی در دل‌ها و وجدان‌های ما زنده خواهد ماند، همان‌گونه که او در نزد خدا زنده است و فداکاری‌ها و ایثارهای او مشعل و سیملی برای نسل‌های آینده برای نیل به والاترین معانی شرافت و شهادت خواهد بود.

فرمانده سابق عملیات‌های ویژه آمریکا در عراق، درباره این نقش سردار سلیمانی می‌گوید: «با ظهور یک پدیده شش‌رور و شیطنانی به نام داعش، اکنون سلیمانی نقش شوالیه سپیدش را در مقابل آن پیدا کرده است.» مک کریستال اضافه می‌کند: «به عقیده من سلیمانی در نجات رژیم اسد اهمیت حیاتی داشت. تقریباً غیرممکن بود که اسد اعتماد به نفس و در برخی موارد توانایی ایستادگی در مقابل توفان آن دو یا سه سالی را داشته باشد که واقعاً به‌نظر می‌رسید حکومتش دارد از هم می‌پاشد.» راین کارکر، سفير سابق آمریکا در عراق نوشت: «سوریه‌ایان نقش سردار سلیمانی در مقابله با داعش می‌گوید: «حکومت بشار اسد در برخی مواقع واقعاً داشت تلوتلو می‌خورد. نیروی قدس و در برخی نیروهای ایرانی به داد او رسیدند.» جان مک‌گرو، افسر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، درباره نبرد القصر در سوریه که منجر به بازپس‌گیری شهر استراتژیک القصر توسط ارتش سوریه شد، گفته بود: «این سردار سلیمانی بود که دستور عملیات را فرامدهی می‌کرد و آن را «پیروزی بزرگ» را رقم زد.»